

فراتر از خبر

حجاب در ايران؛ از مدارا در تجمعات حكومتی تا برخورد در كافه‌ها

وحيد پوراستاد

۱۷ مرداد/۱۴۰۵



در روزهای اخیر، موج تازه‌ای از پلمب کافه‌ها و کسب‌وکارها به بهانه عدم رعایت «حجاب اجباری» به نقاط مختلف ایران رسیده است؛ از مازندران، خراسان رضوی، اردبیل، سمنان و زنجان تا قم، تهران، کرمان و آباءه. در شماری از این موارد، «مقابله با بدحجابی» دلیل برخورد اعلام شده است.

این موج فقط به کافه‌ها محدود نمانده است. انتشار تصاویر مأموران و تذکر به زنان در گیلان، همراه با فشار دوباره برخی چهره‌های سیاسی برای برخورد با بی‌حجابی، نشانه‌های بازگشت مسئله حجاب به خیابان و فضای عمومی است؛ آن هم چند هفته پس از جنگی که در جریان آن زنان بدون حجاب در تجمعات خیابانی حضور داشتند، رسانه‌های رسمی با آن‌ها گفت‌وگو می‌کردند و تصاویرشان را نشان می‌دادند.

نیروی انتظامی استان گیلان ویدئویی از یک زن با روسری و مانتو در کنار یک ماشین ون نیروی انتظامی منتشر کرده است که می‌گوید: «هیچکس موافق این نوع پوشش نیست، این چه وضعش است دخترها میان بیرون؟ چهره شهر را زشت کردند هیچکس موافق این نوع پوشش نیست، امیدوارم تذکرات پلیس بیشتر شود».

وبسایت «رویداد ۲۴» این اتفاق‌ها را کنار هم گذاشته و نوشته است: «موج جدید پلمب‌ها و تعطیلی کسب و کارها به بهانه حجاب و انتشار تصاویر گشت ارشاد در استان گیلان، به نظر تکه‌هایی از پازل یک سیاست سازمان یافته‌اند. سیاستی که دست‌کم برای مدتی بعد از توقف اجرای قانون حجاب و عفاف توسط شعام، مسکوت مانده بود. آغاز این موج این شائبه را در ذهن ایجاد می‌کند که گروهی قرار است دوباره حجاب را به مرکز برخوردهای قضایی و امنیتی تبدیل کرده و بار دیگر فضای کشور را متشنج کنند».

بیشتر در این باره:
گشت ارشاد کجا رفت؟



فشار سیاسی برای برخورد با بی‌حجابی

هم‌زمان، فشار برای برخورد با بی‌حجابی در سطح سیاسی و نهادهای حاکمیت ادامه دارد.

محمدجواد حاج‌علی‌اکبری، امام جمعه موقت تهران، نیز روز ۱۶ مرداد از «تحرکات سازمان‌یافته» برای «ترویج برهنگی» سخن گفت و مدعی شد افرادی «پول و دلار می‌گیرند» تا با «وضعیت ناهنجار» در جامعه ظاهر شوند.

او «زیست عفیفانه» را «حق عمومی» و صیانت از آن را از وظایف حکومت اسلامی دانست

چند روز پیشتر هم محمدتقی نقدعلی، نماینده تندرو و اصول‌گرای مجلس، وضعیت حجاب را «برهنگی و فحشای علنی» توصیف کرده بود. او همچنین گفته که علیرضا سلیمی، دیگر نماینده مجلس، پس از حضور در برخی جلسات به خانه می‌رود و «از درد بی‌حجابی» گریه می‌کند. نقدعلی پرسیده است: «با وضعیت حجاب می‌خواهیم چه کنیم؟»

این سخنان بی‌پاسخ نماند. جلال رشیدی کوچی، نماینده سابق مجلس، در واکنش به گفته‌های نقدعلی در شبکه ایکس نوشت: «آقایان از خداوند می‌خواهم به شما فهم و شعوری آرامش بخش عطا کند تا بفهید چاره‌ای جز پذیرش آنچه که قادر به تغییرش نیستید، ندارید! مسئله حجاب دیر زمانی‌ست که برای ملت حل شده است، بیش از این نه زحمت خودتان دهید و نه تولید تنفر کنید».

غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی، نماینده سابق مجلس، نیز در گفت‌وگو با «خبرآنلاین» بحث را به وضعیت معیشتی برده است: «مسئولان باید برای شکم خالی مردم تقاضای مرگ بکنند، نه این‌که فقط صرفاً گریه بکنند. برای وضعیت تورم باید استعفا بدهند. مسئولان ما علاوه بر عذرخواهی، باید استعفا هم بدهند».

در سوی دیگر، به‌تازگی ویدئویی از باقر خرازی، روحانی، دبیرکل حزب‌الله ایران و برادر همسر مسعود خامنه‌ای (پسر رهبر پیشین جمهوری اسلامی)، منتشر شده که در آن سخنانی تند علیه افراد بی‌حجاب می‌گوید: «من فتوا می‌دهم که هرکس بی حجاب باشه باید کشته شود؛ باید یک جمعیت ۵۰ هزارنفری تو

تهران راه بندازیم و هر بی‌حجابی را که این‌ها دیدند به تندی باهاش برخورد کنند، دولت‌م‌جرات نمی‌کند جلوم‌ان کاری کند، اگر دولت کوچیک‌ترین کاری بکند ۵۰ هزار نفرمون می‌ریزند تمام سازمان را تصرف می‌کنند، دولت فعلی شیطان و مزدور آمریکاست، حزب‌الله باید فوراً جمع شوند ۵۰۰ هزار نیرو جمع کنیم پدر دولت را دربیاریم».

بیشتر در این باره:

پاراگراف اول؛ حکم علیه یک خواننده یا علیه حضور زن در عرصه عمومی؟



تناقض جنگ و پس از جنگ

برخوردهای تازه یک تناقض را برجسته‌تر کرده است: تفاوت رفتار حکومت با زنان بدون حجاب در جریان جنگ ۴۰ روزه و هفته‌های پس از آن.

چندی قبل، محمدجواد فاضل لنکرانی، از اساتید حوزه علمیه قم، گفته بود: «الان در این شرایط که اساس اسلام و انقلاب در خطر است نباید بین افراد حاضر در میدان تفکیک کنیم و بگوییم در این جهاد حضور که شب‌ها برپا می‌شود بانوان با حجاب بیایند و کسی که حجاب درستی ندارد نیاید، این حرف غلط است».

در همان دوره، برخی از بانیان و مداحان حکومتی نیز از حضور زنان بی‌حجاب در تجمعات خیابانی و حکومتی استقبال می‌کردند. به این ترتیب، پوششی که در روزهای جنگ مانعی برای حضور در تجمعات بود مورد حمایت حکومت نبود، پس از جنگ دوباره به موضوع برخورد در خیابان و کافه‌ها تبدیل شده است.

این تفاوت رفتار به نشست خبری مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران، هم رسید. خبرنگاری از او پرسید چرا در زمان جنگ از زنان بدون حجاب در تجمعات خیابانی استقبال می‌شد اما حضور همان نوع پوشش در کافه‌ها با برخورد روبه‌رو می‌شود. پاسخ چمران کوتاه بود: «آن وقت کافه‌ها خیلی کافه می‌شوند». او همچنین گفت اگر کافه‌ها تخلف کنند «چه جنگ باشد و چه نباشد» باید جلوی آن‌ها گرفته شود.

بیشتر در این باره:

دوگانه‌های یک سبک زندگی در کافه‌های پرشمار تهران



کافه‌ها؛ میدان تازه برخورد

در این موج، کافه‌ها به یکی از اصلی‌ترین نقاط برخورد تبدیل شده‌اند. در روزهای اخیر گزارش‌هایی از پلمب واحدهایی در تهران، مشهد، زنجان، آباءه و دیگر شهرها منتشر شده است. پیش‌تر نیز چندین کافه در خیابان‌های سنایی و ایرانشهر تهران و شماری از کافه‌های اکباتان پلمب شده بودند. حتی جدول‌ها و باغچه‌های جلوی کافه‌های خیابان سنایی تخریب شدند.

با این حال، دلیل رسمی همه تعطیلی‌ها یکسان نیست؛ از حجاب تا مشکلات صنفی و بهداشتی، نرخ‌نامه و استفاده از پیاده‌رو. روایت برخی کافه‌داران اما تصویر دیگری ارائه می‌کند. شماری از صاحبان کافه‌ها در مشهد به روزنامه «شرق» گفته‌اند اگرچه تخلفات بهداشتی یا صنفی به‌عنوان علت رسمی مطرح شده، حساسیت اصلی متوجه پوشش مشتریان، موسیقی و جمع‌شدن جوانان در کافه بوده است.

آمار رسمی در مشهد نیز از افزایش کم‌سابقه پلمب‌ها خبر می‌دهد. مدیر بازرسی و نظارت بر اصناف مشهد در گفت‌وگو با ایرنا اعلام کرده که پلمب واحدهای صنفی طی چهار ماه ابتدایی سال جاری نسبت به مدت مشابه سال قبل، ۲۰ برابر شده است.

تقی آزاد ارمکی، جامعه‌شناس، به روزنامه «شرق» گفته است: «آن چیزی که در کشور جاری و ساری است یک بلا تکلیفی و بی‌تصمیمی در امور است. منظورم این است که مسائل مهم در کشور مورد توجه قرار نمی‌گیرند و نیروهای مهم و موثری که می‌توانند برای مشکلات راه حل پیدا کنند، به میدان نیامده‌اند. در این شرایط رادیکال‌ها هستند که به میدان آمده و جامعه را از عقلانیت تهی می‌کنند. رادیکال‌ها مسائل را عوض کرده و بازی‌ها را شیک و آرمانی جلوه می‌دهند».

برای برخی مشتریان، این تعطیلی‌ها معنایی روزمره‌تر دارد. عطیه حدوداً ۴۰ سال دارد و دربارهٔ بسته‌شدن کافه نزدیک محل زندگی‌اش در مشهد به روزنامه «شرق» گفته است: «تنها تفریحی که بعد از جنگ وسع‌مان به آن می‌رسد همین کافه رفتن است. تقریباً بقیه تفریحات مثل سفر رفتن، رستوران رفتن، پیک‌نیک رفتن و دوره‌می‌های دوستانه از برنامه زندگی‌مان حذف شده‌است و حالا انگار همین دلخوشی کوچک را هم از دست داده‌ایم».

بیشتر در این باره:

زنان، حجاب و ضربان زندگی در تهران؛ روایتی از یک شهر در انتظار



سوی دیگر شکاف

اما کشمکش بر سر حجاب فقط میان حکومت و زنانی که حجاب اجباری را کنار گذاشته‌اند جریان ندارد. دو زن محجبه حاضر در تجمع‌های میدان انقلاب، در گفت‌وگو با وب‌سایت «انصاف‌نیوز» درباره کافه‌ها، از نوع دیگری از طردشدن گفته‌اند.

زهرآ، یکی از این دو زن، می‌گوید بخشی از کسانی که اهل کافه رفتن هستند تجمع‌کنندگان شبانه میدان انقلاب را «مسخره می‌کنند». او انتظار داشته که آن‌ها نیز برای آنچه «تأمین امنیت کشور» می‌خواند به تجمع‌ها بیایند.

فریبا، دیگر زن محجبه، تجربهٔ شخصی‌تری را روایت می‌کند: «کافه‌ها دیگر جایی برای ما نیست». او مدعی شده که در یک کافه محترمانه از او خواسته‌اند بیرون بروند و تأکید کرده که مسئله‌اش حجاب زنان دیگر نبوده، بلکه خودش در آن محیط احساس پذیرفته‌نشده کرده است.

این دو روایت، سوی دیگری از مناقشه را نشان می‌دهد؛ مسئله‌ای که از اجبار حکومتی بر سر پوشش آغاز شده، اما در بخشی از جامعه به احساس متقابل طردشدن نیز رسیده است.

محمد مالجو، پژوهشگر اقتصاد سیاسی، در کانال تلگرامی‌اش با اشاره به برخورد با کافه‌ها می‌نویسد: شکاف فرهنگی اصلی در جامعه شهری امروز بر سر میزان مداخلهٔ حکومت در فرهنگ و سبک زندگی

است. به نوشته او، مخالفت با حجاب اجباری و پذیرش تنوع سبک‌های زندگی دیگر صرفاً به طبقه متوسط مدرن محدود نیست.

در این میان، کافه‌ها به یکی از فضاهای آشکار این تغییر تبدیل شده‌اند. کافه فقط محل نوشیدن قهوه نیست؛ محل معاشرت، کار، موسیقی و گفت‌وگوست و محل حضور نسلی که بخشی از تغییرات فرهنگی ایران را می‌توان در زندگی روزمره‌اش دید.

حجاب؛ نقطه شروع مناقشه

با همه این‌ها، نقطه شروع ماجرا همچنان حجاب است. قانون جدید اجرا نشده، اما مناقشه متوقف نشده است. یک نماینده می‌گوید همکاری به خاطر بی‌حجابی گریه می‌کند، مأموران دوباره در خیابان دیده می‌شوند و کافه‌دارها از فشار بر سر پوشش مشتریان می‌گویند. اجزای یک کشمکش قدیمی بار دیگر کنار هم قرار گرفته‌اند.

تفاوت این بار شاید در جایی باشد که این کشمکش جریان دارد. مسئله دیگر فقط روسری یک زن در خیابان نیست؛ به ادامه کار یک کافه، معاشرت جوانان و در نهایت به این پرسش گره خورده است که حکومت تا کجا می‌تواند قواعد خود درباره پوشش را از مسیر کنترل فضاهای زندگی روزمره اجرا کند.

وحید پوراستاد



وحید پوراستاد، روزنامه‌نگار سیاسی است که سابقه نزدیک به دو دهه فعالیت روزنامه‌نگاری در روزنامه‌های مختلف ایران را دارد. او از اواخر سال ۸۹ به تحریریه رادیو فردا پیوست و در مدت فعالیت خود در رادیو فردا چندین مستند رادیویی و تلویزیونی نیز از جمله «سلول انفرادی»، «سی جنجال یک رئیس‌جمهور»، «پرونده قاضی سعید مرتضوی» و فیلم مستند «در اتاق بازجویی» را ساخته است.

این مطلب بخشی از:

به من بگو

فراتر از خبر

بایگانی

اجتماعی